

# مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **رهیافت**

سال چهاردهم، شماره ۵۱، تابستان ۱۳۹۹  
صفحه ۲۳ تا ۴۴

## حقوق شهروندی اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر قاعده احسان

سعید ولوی / دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان،  
ایران valavisaeed@gmail.com

محمد رسول آهنگران / استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تهران، پردیس فارابی، تهران،  
ایران، نویسنده مسئول ahangaran@ut.ac.ir

مریم آقایی بجنانی / دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان،  
ایران m.aghaei@semnaniau.ac.ir

### چکیده

حقوق شهروندی در ج.ا. ایران ریشه در قواعد فقهی، آیات و روایات دارد چرا که شهروندی در اسلام، مبتنی بر حقوق و تکالیف است و از سوی دیگر تفسیر و تحلیل قواعد فقهی را به عنوان منشأ صدور احکام شهروندی در نظر می‌گیرد. از این جهت، توجه به قواعد فقهی یکی از راه‌های بسط و معرفی ابعاد حقوق شهروندی اسلامی است. پژوهش حاضر، ظرفیت‌های قاعده احسان در حوزه حقوق شهروندی را به بحث گذاشته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قاعده احسان با در نظر گرفتن خیر عمومی، مصالح جمعی، امر به معروف و نهی از منکر و همچنین مشارکت شهروندان در امور مختلف، شاکله جدیدی برای همزیستی شهروندان ایجاد می‌کند و آنان را به رقابت در حوزه‌های معنوی و اخلاق جمعی تشویق می‌نماید. بر مبنای قاعده احسان، شهروندی اسلامی، شهروندی کیفی‌نگر است که «توسعه انسانی» و «اخلاق جمعی» را سرلوحه کار خود قرار می‌دهد. پژوهش حاضر با روش توصیفی، تحلیلی و با استفاده از متون فقهی، اسناد بالادستی و قانون اساسی به عنوان منابع اصلی انجام شده است.

**کلیدواژه:** قاعده احسان، شهروندی، شهروندی اسلامی، مسئولیت اجتماعی، جمهوری اسلامی ایران.

تاریخ تأیید ۱۳۹۹/۰۲/۰۶

تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۵/۲۷

## ۱- مقدمه

حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران برگرفته از آموزه‌های دینی است و از این جهت، تمایز خاصی نسبت به حقوق شهروندی رایج در غرب دارد که امروزه به عنوان حقوق شهروندی جهانی مطرح می‌شود. قواعد فقهی و دینی متعددی باعث شکل‌گیری ابعاد مختلف حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران شده‌اند که نمودهای مشخص آن در حقوق اقلیت‌ها، برخورداری از زبان قومی، محلی و گویش‌های محلی، حق برخورداری از مالکیت، قضاوت عادلانه، حق آزادی بیان و آزادی تجمع، حقوق زنان و ... دیده می‌شود. اما حقوق شهروندی علاوه بر دارا بودن عناصر مختلف، دارای وجوه دیگری نیز می‌باشد؛ حقوق فردی و حقوق جمعی، حقوق و تکالیف (مسئولیت شهروندی) که نیازمند اتخاذ راهکار جدیدی هستند. بر همین اساس، مراجعه به متون دینی، آیات و روایات و همچنین قواعد فقهی مهم‌ترین دیدگاه‌ها درباره طرح مسئله حقوق شهروندی را به ما نشان می‌دهد. زیرا استدلال بر این است که حقوق شهروندی اسلامی، پیوند قابل توجهی با قواعد فقهی دارد. با توجه به اینکه قواعد فقهی در اسلام، غالباً پاسخی برای مشکلات مستحدثه نیز می‌باشند، تفسیر و تعبیر آنان در پرتو تحولات نوین از جمله مقوله حقوق شهروندی به خوبی می‌تواند پاسخگوی نیازهای جامعه اسلامی تلقی شود و یا اینکه طرح نوینی در این زمینه مطرح نماید.

قواعد مختلفی از جمله قاعده لاضرر، لاجرح، نفی سبیل و ... ارتباط تنگاتنگی با حوزه‌های سیاسی و اجتماعی دارند که تفسیر و بازخوانی آنان علاوه بر اینکه جنبه متقدم بودن دیدگاه‌های اسلام درباره موضوعات مختلف از جمله حقوق شهروندی را نشان می‌دهد، پاسخی برای چالش‌های حقوق شهروندی در عصر نوین می‌آفریند. بر همین اساس، پژوهش حاضر درصدد است تا حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی ایران را در پرتو قاعده احسان مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد. به عبارت دیگر، قاعده احسان به عنوان یک قاعده فقهی چگونه می‌تواند رویکرد جدیدی نسبت به حقوق شهروندی ایجاد نماید و یا اینکه بعد جدیدی در حیطه حقوق شهروندی خلق نماید.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در هیچ کجا کلمه شهروند و یا حقوق شهروندی را به کار نبرده است (محسنی، ۱۳۸۶: ۱۵۸). اما براساس آنچه درباره حقوق ملت، عدالت، آزادی، حقوق اقلیت‌ها و مذاهب در قانون اساسی بیان می‌شود، می‌توان مصادیقی از حقوق شهروندی را مورد توجه قرار داد. بدین ترتیب اگر مقصود از حقوق شهروندی توجه به

مقولاتی نظیر عدالت، حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، آزادی، کرامت و عزت شهروندان و حمایت قانون از آنان باشد، حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. از این منظر، حقوق شهروندی، مجموعه وسیعی از حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که در کنار آن تکالیف و وظایف شهروندان در قبال دولت را مورد توجه قرار می‌دهد (محسنی، ۱۳۸۶: ۱۶۰). با این حال، بُعد حقوق در مسئله حقوق شهروندی، همچنان بر بُعد تکالیف و مسئولیت‌ها غلبه دارد و حتی در حقوق شهروندی جهانی نیز این نقیصه به چشم می‌خورد. از این جهت، به نظر می‌رسد یکی از قواعد فقهی که می‌تواند بُعد مسئولیت و تکالیف شهروندی را در حقوق شهروندی اسلامی مورد توجه قرار دهد، قاعده «احسان» است. حجیت قاعده احسان، آیه ۹۱ سوره توبه است که در آن بیان شده است: «لَيْسَ عَلَى الضُّعْفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ» (توبه/۹۱). «بر ناتوانان و بر بیماران و بر کسانی که چیزی نمی‌یابند [تا در راه جهاد] خرج کنند - در صورتی که برای خدا و پیامبرش خیرخواهی نمایند- هیچ گناهی نیست، [و نیز] بر نیکوکاران ایرادی نیست».

نمود بیرونی این آیه در قانون مجازات اسلامی در ماده ۵۱۰ قانون مجازات اسلامی بدین گونه بیان شده است «هرگاه شخصی با انگیزه احسان و کمک به دیگری رفتاری را که به جهت حفظ مال، جان، عرض یا ناموس او لازم است، انجام دهد و همان عمل موجب صدمه و یا خسارت شود در صورت رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی، ضامن نیست». بدین ترتیب، در قانون مجازات اسلامی، فرد محسن در صورتی که به دلیل حفظ جان، مال، ناموس، عرض دیگری وارد عمل شود و خسارتی نیز وارد، مشمول قاعده احسان می‌شود و ضامن نیست. به عنوان مثال، هنگامی که یک خودرو در حال آتش‌سوزی است و مسافران نیز در آن حضور دارند و فردی برای نجات جان انسان‌ها اقدام به شکستن شیشه‌های خودرو می‌نماید و خسارتی بدان وارد می‌سازد، ضامن نیست و مشمول قاعده احسان می‌شود. بنابراین هر چند در چنین اعمالی، خسارتی نیز پدید آمده است، اما حس نوع دوستی، کمک کردن به دیگران، نجات جان انسان‌ها، همکاری و تعاون اجتماعی و حتی امر به معروف و نهی از منکر نیز دیده می‌شود. مقولاتی که در صورت تداوم و تعمیق آنان می‌توان به عنوان مؤلفه‌های جدید حقوق شهروندی در نظر گرفته شوند. در هر صورت، قاعده احسان، آشکارا قواعد و آثاری اجتماعی و سیاسی در پی دارد. بدین معنا که نوعی مسئولیت شهروندی پدید می‌آورد که شهروندان در قبال جان، مال، ناموس، عرض و ... دیگران مسؤول هستند. از

اینجاست که تفاوت‌های شهروندی در اسلام و سایر مکاتب فلسفی و سیاسی نمایان می‌شود. زیرا شهروندی در اسلام تنها بر پایه حقوق نیست، بلکه مسئولیت‌ها را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. پیوند بخشی میان حقوق شهروندی و قاعده احسان از یک جهت حس نوع دوستی و همکاری اجتماعی را تقویت می‌کند و از طرف دیگر، جلوی ضررهای بیشتری را می‌گیرد. سؤالی که مطرح می‌شود این است: قاعده احسان چگونه و با چه سازوکاری می‌تواند باعث تحقق حقوق شهروندی در جامعه اسلامی گردد؟ فرضیه مقاله بدین ترتیب است: قاعده احسان به دلیل تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر، خیر عمومی و منافع جمعی شهروندان و همچنین تشویق شهروندان به مشارکت اجتماعی، باعث تقویت بُعد مسئولیت‌پذیری شهروندی می‌شود. ضرورت بررسی این مسئله از آن روست که مقوله شهروندی در اغلب نوشته‌ها و دیدگاه‌ها مبتنی بر حقوق است و تکالیف و مسئولیت شهروندی چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. پژوهش حاضر در صدد است تا با به کارگیری قاعده احسان در زمینه حقوق شهروندی، راه حل جدیدی برای این مسئله بیاید و بُعد مسئولیت‌پذیری حقوق شهروندی را در نظام جمهوری اسلامی ایران توسعه ببخشد.

#### ۱-۱. پیشینه و ادبیات تحقیق

بررسی تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده در زمینه حقوق شهروندی اسلامی می‌تواند ابزاری برای کامل‌تر شدن تحقیق حاضر در نظر گرفته شود. از این جهت به برخی از تحقیقات انجام شده در این زمینه پرداخته می‌شود. احمدی طباطبایی (۱۳۸۸) در مقاله حقوق شهروندی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ابعاد مختلف حقوق شهروندی در قانون اساسی را مورد توجه قرار داده است و بر جنبه‌های کثرت‌گرایانه قانون اساسی توجه نشان داده است. هرمیداس باوند (۱۳۸۴)، در اثری با عنوان گفتارهایی درباره زبان و هویت، به برخی اصول قانون اساسی از جمله اصل پانزدهم آن درباره استفاده اقلیت‌ها از زبان خاص خود توجه نشان داده است. در زمینه بررسی قاعده احسان، پژوهش‌های متعددی انجام شده است که حاکی از نقش مهم این قاعده در قواعد حقوقی و تقنینی در مجازات اسلامی و همچنین حوزه زندگی سیاسی و اجتماعی شهروندان است. دانش نهاد و علیشاهی قلعه‌جوقی (۱۳۹۸)، به بررسی نقش قاعده «احسان» در نفی و ایجاب مسئولیت مدنی دولت پرداختند و چنین نتیجه گرفتند می‌توان از این قاعده در جهت ضمان دولت همانند نفی ضمان، نقش قائل شد. مزدک نصوری (۱۳۹۷)، در مقاله قاعده احسان و نقش آن در معافیت جبران خسارت به بررسی نقش قاعده احسان در خسارات فردی و اجتماعی پرداخته است و نتیجه

گرفت که بهره‌گیری از این قاعده می‌تواند قوانین مدنی و جزایی را در نظام حقوقی ایران بهبود ببخشد. حسین طباطبایی (۱۳۹۳)، در مقاله قاعده احسان و مجرای آن در نظام حقوقی ایران چنین نتیجه می‌گیرد که قاعده احسان به طور سنتی یکی از موارد اسقاط ضمان قهری می‌باشد که هر کس به انگیزه خدمت به دیگران، موجب ضرر به دیگری می‌شود، عمل او ضمان آور نیست. علیدوست (۱۳۸۶)، قرآن کریم و قاعده «احسان» را مورد بررسی قرار داد و بدین نتیجه رسید که قاعده احسان از قواعد مسلم شرعی و فقهی است و اسناد معتبر شرعی دال بر اهمیت آن در منابع حقوقی و فقهی می‌دهند.

پژوهش‌های انجام شده هر چند به طور مفصل به بررسی قاعده احسان و نقش آن در نظام حقوقی پرداخته‌اند، اما کمتر ابعاد و تأثیر آن را در حوزه حقوق شهروندی مورد توجه قرار داده‌اند. به همین دلیل، وجه اشتراک پژوهش حاضر با پژوهش‌های انجام شده در این زمینه توجه به مقوله حقوق شهروندی و حتی قاعده احسان است. اما وجه تمایز و نوآوری پژوهش حاضر، تأکید بر اثرگذاری قاعده احسان در حوزه حقوق شهروندی است. به همین دلیل هدف اصلی این پژوهش، واکاوی نقش قاعده احسان در مقوله حقوق شهروندی است که تاکنون پژوهشی مستقل در این زمینه انجام نشده است.

## ۲-۱. روش تحقیق

با توجه به بررسی مقوله حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی ایران با توجه به قاعده فقهی احسان، به بررسی آثار، اسناد، کتب فقهی و مقالات نوشته شده در این زمینه پرداخته شده است. به همین دلیل، روش توصیفی-تحلیلی به‌عنوان روش مناسب پژوهش در نظر گرفته شد که به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی به جمع‌آوری اطلاعات اقدام شده است. روش توصیفی-تحلیلی در چنین پژوهش‌هایی از این مزیت برخوردار است که به پژوهشگر اجازه می‌دهد با حفظ رعایت قوانین علمی و تحلیلی دیدگاه تازه‌ای بیافریند و براساس آن به رویکرد جدیدی در حوزه‌های تفسیری و تحلیلی دست یابد.

## ۲- مبانی نظری؛ مؤلفه‌های حقوق شهروندی اسلامی

### ۲-۱- حقوق شهروندی و ابعاد آن

حقوق شهروندی (Citizenship Rights) ترکیبی از دو واژه حقوق و شهروندی است که هر کدام به طور جداگانه معنای خاصی دارند، اما هنگامی که با یکدیگر به کار می‌روند، معنای تازه‌ای می‌آفرینند. حق در اصطلاح فقه، نوعی حق نوعی ملکیت است، که به نحو خاصی بین مالک و مملوک وجود دارد (طباطبایی حکیم، بی تا، ۴۶). حتی گاهی واژه حق

در مقابل ملک قرار می‌گیرد، گاهی مترادف با آن و در هر دو معنی قدرتی است که برای انسان نسبت به غیر خودش جعل شده و این پایین‌ترین مرتبه ملکیت است (آل بحرالعلوم، ۱۴۰۳: ۱۴). با این حال، اصطلاح حق هنگامی که در معنای جمع به کار می‌رود حقوق خوانده می‌شود و هنگامی که با اصطلاح شهروندی به کار گرفته می‌شود، حقوق شهروندی خوانده می‌شود که امروزه در اغلب مکاتب و دیدگاه‌های فلسفی و سیاسی مورد توجه است. حقوق شهروندی هر چند در انحاء و اشکال مختلف و در نظام‌های اجتماعی و سیاسی قدما نیز به چشم می‌خورد، اما به عنوان یک موضوع جدید بیش از هر چیز توسط تی اچ مارشال (T. H. Marshal) در عصر دولت رفاهی (Wolfar State) در انگلستان مطرح شد. بنابراین تحلیل تاریخی-جامعه‌شناختی مارشال نقطه شروعی کلاسیک برای مبحث شهروندی است. چارچوب تحلیلی که مارشال ارائه می‌کند و در آن شهروندی مرکب از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی تلقی می‌شود، بسیار مفید و به طور گسترده‌ای پذیرفته شده است (نش، ۱۳۸۹: ۱۹۲). هر چند ایده‌های مارشال به عنوان شهروندی دولت رفاهی خوانده می‌شود که در دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ میلادی بر فلسفه سیاسی غرب سایه انداخته بود. با این حال، ایده حقوق شهروندی مارشال، بعدها و توسط گروه‌های سیاسی و مدنی نظیر فمینیست‌ها، فعالان همجنس‌باز، طرفداران محیط زیست و ... به چالش کشیده شد و در غرب نیز طیف متعددی از دیدگاه‌ها در زمینه حقوق شهروندی دیده می‌شود.

علاوه بر این، شهروندی دارای ابعاد مختلف و متفاوتی است و هر چند دیدگاه‌های جهانشمولی درباره آزادی، عدالت و حقوق شهروندان ارائه می‌دهد، اما در نهایت به مرزهای سرزمینی هر نظام سیاسی نظر می‌افکند. بنابراین شهروندی مفهومی خاص است که ناظر بر رفتارها و روابط شهروندان در یک سرزمین مشخص است. به هر صورت، شهروندی به مدد مجموعه حقوق، وظایف و تعهداتش، راهی برای توزیع و اداره عادلانه منابع و مسئولیت‌های زندگی اجتماعی ارائه می‌کند (فالكس، ۱۳۹۰: ۱۵-۱۴). که در مکاتب مختلف مورد توجه است. در همین راستا، می‌توان از حقوق شهروندی اسلامی نیز سخن به میان آورد که با توجه به نقش آفرینی آموزه‌های دینی در آن، جایگاه خاصی در بین نظام‌های حقوقی جهانی دارد.

## ۲-۲- حقوق شهروندی اسلامی

حقوق شهروندی در اسلام با دقت در احادیث و روایات و همچنین آیات قرآن کریم قابل استخراج است. اصل اول در حقوق شهروندی اسلامی، حق شناخت نفس و جایگاه حقیقی خویش است. زیرا انسان با این شناخت به وظایف خود به عنوان بالاترین مخلوق پی

می‌برد. به عنوان مثال، از دیدگاه امام سجاد(ع) اولین حق انسان، حق نفس است (میرتقی، ۱۳۷۱: ۳). بنابراین شناخت خویشتن، مقدمه سایر حقوق شهروندی اسلامی محسوب می‌شود که انسان در طی آن به جایگاه خود در نظام هستی آفرینش پی می‌برد و سپس زمینه‌ها را برای تعامل با سایر انسان‌ها فراهم می‌آورد. از این منظر، تلاش برای تقویت معنویت و رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی از اهداف حقوق شهروندی اسلامی به شمار می‌روند.

اصل کرامت انسانی یکی دیگر از ابعاد حقوق شهروندی اسلامی است که بسیار مورد توجه است. همان طور که در آیه ۷۰ سوره اسراء درباره کرامت انسانی این گونه بیان می‌شود: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء / ۷۰). «ما آدمی‌زادگان را گرامی داشتیم؛ و آنها را در خشکی و دریا، (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم؛ و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم».

از منظر آیه فوق در می‌یابیم که حق کرامت و احترام انسانی یکی دیگر از هسته‌های اصلی حقوق شهروندی اسلامی را تشکیل می‌دهد. پس از آن باید اجتماع، فرصت رشد، توسعه و کمال را به افراد بدهد. مؤلفه مزبور در برابری حقوقی، اقتصادی، سیاسی و مالکیت شهروندان تجلی پیدا می‌کند. همچنان که در بند ششم از اصل دوم قانون اساسی چنین آمده است: «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا».

عدالت و روابط عادلانه یکی دیگر از مؤلفه‌های حقوق شهروندی اسلامی است. بنابراین وجود فرصت‌ها و شرایط برابر برای همه شهروندان وجه دیگری از حقوق شهروندی اسلامی است. عدالت و حقوق شهروندی در نزد اسلام به یکدیگر پیوسته هستند. همان گونه که در قرآن مجید، به این آرمان عظیم انسانی فرمان می‌دهد و چنین می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل / ۹۰). یعنی: «خداوند، به عدل و احسان، فرمان می‌دهد». همچنین در همین زمینه امام علی(ع) در تفسیر این آیه چنین می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ: الْأَنْصَافُ وَالْإِحْسَانُ التَّفَضُّلُ». (نهج البلاغه، قصار الحكم؛ ۲۳۱). «خداوند به عدل و احسان فرمان داده است و عدالت، همان انصاف است و احسان، همان بخشش». همچنین کتاب آسمانی ما، هدف والای همه انبیاء را برقراری عدالت بر روی زمین می‌داند و چنین می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (حدید / آیه ۲۵). «ما رسولان خود را با دلائل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسائی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند».

اصل عدالت به طور روشن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درباره برابری شهروندان بیان شده است. به عنوان مثال در اصل نوزدهم قانون اساسی بیان شده که مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود (منصور، ۱۳۹۱: ۱۳). این اصل نافی هر گونه امتیازات طبقاتی، قومی و نژادی است (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۱). در کنار این مسئله، حق آزادی بیان، انتقاد و داشتن حقوق برابر در این زمینه، یکی دیگر از ابعاد حقوق شهروندی اسلامی است. اصل آزادی یکی دیگر از اصول حقوق شهروندی اسلامی است که به انحاء مختلفی در قرآن کریم بیان شده است. به عنوان مثال در یکی از آیات در باب آزادی چنین بیان شده است: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر/ ۱۸). «همان کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می کنند؛ آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آنها خردمندانند».

بدین ترتیب، از دیگر حقوق شهروندان تأمین امنیت ایشان در زمینه‌های مختلف مالی، جانی، کاری، حقوقی، فردی و جمعی می‌باشد. در همین راستا، در آیات متعدد قرآن کریم از ظلم و تعدی به هر صورتی که باشد، نهی شده است. اسلام این حق را نه تنها برای شهروندان حکومت اسلامی، بلکه برای همه موجودات و انسان‌های دیگر نیز محترم شمرده است. در همین راستا، اصل ۲۷ قانون اساسی ناظر بر تشکیل اجتماعات و آزادی آنان است. ضمن اینکه مصونیت فردی و برقراری امنیت در سایه قانون یکی دیگر از وجوه بارز حقوق شهروندی است که در قانون اساسی ج.ا. ایران بدان توجه شده است. همچنان که به لحاظ مصداقی می‌توان گفت که دولت اسلامی حق سلب آرامش شهروندان غیر مسلمان از اهل ذمه را با ارباب و حبس و مجازات آنان را ندارد، مگر اینکه شهروند غیر مسلمان جرمی انجام داده باشد، که آزادی خود را به این وسیله تحت الشعاع قرار دهد. بر این اساس، قانون اساسی ایران، مصونیت فردی را در چند اصل مختلف مورد تأکید قرار می‌دهد (اصول ۲۲، ۳۲، ۳۳، ۳۶، ۳۷ و ۱۶۹).

یکی دیگر از ابعاد حقوق شهروندی اسلامی که به خوبی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باز نمود یافته است، حقوق اقلیت‌های دینی، زبانی و مذهبی است. به طور کلی، در دیدگاه اسلامی خانواده جهانی به سه بخش تقسیم می‌شود: مسلمانان، موحدان غیر مسلمان (اهل کتاب) و کافران در مدیریت جامعه اسلامی و جهانی، اسلام برای سه گروه حقوق ویژه‌ای قائل است (عمید زنجانی، ۱۳۶۸: ۶۵-۶۷). قرآن در ارتباط با گروه‌های غیر مسلمان،



مسلمانان را امر به رعایت حقوق خاص آنان و رعایت عدل و قسط در برخورد با آنان می‌نماید: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ» (ممتحنه/۸). «خدا شما را (از نیکی کردن و رعایت عدالت) نسبت به کسانی که در امر دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی‌کند؛ چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد».

بر همین اساس، در اصل سیزدهم قانون اساسی بیان شده که ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند (منصور، ۱۳۹۱: ۱۲). همچنین بر اساس همین قانون، مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی و زیدی دارای احترام کامل هستند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزاد هستند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب (منصور، ۱۳۹۱: ۱۲). بر این اساس، اقلیت‌های مزبور به موجب دو اصل ۱۲ و ۱۳ در انجام مراسم دینی و مذهبی بر طبق تعالیم مذهبی خود آزادند و در احوال شخصیه بر طبق تعالیم و آموزه‌های دینی خود عمل می‌نمایند. اصل چهاردهم نیز با استناد به آیه‌ای از آیات قرآن مجید خواستار رفتار توأم با اخلاق حسنه و رعایت عدل و انصاف با تمام شهروندان غیرمسلمان از سوی دولت اسلامی شده است (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۳). علاوه بر این مسئله کرامت انسانی نیز مورد توجه گفتمان انقلاب اسلامی است که فارغ از جنسیت زمینه شکوفایی جوهره انسانی را فراهم نمود (مرادی و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۴). علاوه بر این، منشور حقوق شهروندی که از سال ۱۳۸۲ ش. تا به امروز مورد توجه قرار گرفته است، به عنوان یکی از اعلامیه‌های مهم در حیطه حقوق شهروندی، رویکردهای نوینی در این زمینه ایجاد کرده است که می‌توان به رئوس اصلی آن اشاره نمود.

### الف- حق حیات، سلامت و کیفیت زندگی

ماده ۱- شهروندان از حق حیات برخوردارند. این حق را نمی‌توان از آنها سلب کرد مگر به موجب قانون.

ماده ۲- شهروندان از حق زندگی شایسته و لوازم آن همچون آب بهداشتی، غذای مناسب، ارتقای سلامت، بهداشت محیط، درمان مناسب، دسترسی به دارو، تجهیزات، کالاها و خدمات پزشکی، درمانی و بهداشتی منطبق با معیارهای دانش روز و استانداردهای مطلوب برای ادامه زندگی برخوردارند.

ماده ۳- حق زنان است که از برنامه‌ها و تسهیلات بهداشتی و درمانی مناسب و آموزش و مشاوره‌های مناسب برای تأمین سلامت جسمی و روانی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی در مراحل مختلف زندگی به خصوص دوران بارداری، زایمان، پس از زایمان و در شرایط بیماری، فقر یا معلولیت، برخوردار باشند.

ماده ۴- حق کودکان است که صرف نظر از جنسیت به طور خاص از هرگونه تبعیض، آزار و بهره‌کشی مصون و از حمایت‌های اجتماعی متناسب از جمله در حوزه سلامت، مراقبت در مقابل بیماری‌های روحی، روانی و جسمانی و خدمات بهداشتی و درمانی برخوردار باشند.

ماده ۵- حق شهروندان دارای معلولیت و سالمندان نیازمند است که از امکانات درمانی و توان‌بخشی برای بهبودی و یا توانمند شدن در جهت زندگی مستقل و مشارکت در جنبه‌های زندگی بهره‌مند شوند.

ماده ۶- شهروندان حق دارند از محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی و دینی و تعالی معنوی برخوردار شوند. دولت همه امکانات خود را برای تأمین شرایط لازم جهت بهره‌مندی از این حق به کار می‌گیرد و بامفاسد اخلاقی از جمله دروغ، ریا، تملق، ناپردباری، بی‌تفاوتی، تنفر، بی‌اعتمادی، افراط‌گری و نفاق در جامعه مبارزه می‌کند.

### ب- حق کرامت و برابری انسانی

ماده ۷- شهروندان از کرامت انسانی و تمامی مزایا پیش‌بینی شده در قوانین و مقررات به نحو یکسان بهره‌مند هستند.

ماده ۸- اعمال هرگونه تبعیض ناروا به ویژه در دسترسی شهروندان به خدمات عمومی نظیر خدمات بهداشتی و فرصت‌های شغلی و آموزشی ممنوع است. دولت باید از هرگونه تصمیم و اقدام منجر به فاصله طبقاتی و تبعیض ناروا و محرومیت از حقوق شهروندی، خودداری کند.

ماده ۹- حیثیت و اعتبار شهروندان مصون از تعرض است. هیچ شخص، مقام یا رسانه‌ای به ویژه آنهایی که از بودجه و امکانات عمومی استفاده می‌کنند نباید با رفتار یا بیان اهانت‌آمیز نظیر هجو و افترا، حتی از طریق نقل قول، به اعتبار و حیثیت دیگران لطمه وارد کند.

ماده ۱۰- توهین، تحقیر یا ایجاد تنفر نسبت به قومیت‌ها و پیروان ادیان و مذاهب و گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی، ممنوع است.

ماده ۱۱- زنان حق دارند در سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، مدیریت، اجرا و نظارت، مشارکت فعال و تأثیرگذار داشته و بر اساس موازین اسلامی از فرصت‌های اجتماعی برابر برخوردار شوند.

### پ- حق آزادی و امنیت شهروندی

ماده ۱۲- آزادی‌های فردی و عمومی شهروندان مصون از تعرض است. هیچ شهروندی را نمی‌توان از این آزادی‌ها محروم کرد. محدود کردن این آزادی‌ها تنها به قدر ضرورت و به موجب قانون، صورت می‌گیرد.

ماده ۱۳- هر شهروندی حق دارد از امنیت جانی، مالی، حیثیتی، حقوقی، قضایی، شغلی، اجتماعی و نظایر آن برخوردار باشد. هیچ مقامی نباید به نام تأمین امنیت، حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان و حیثیت و کرامت آنان را مورد تعرض و تهدید قرار دهد. اقدامات غیرقانونی به نام تأمین امنیت عمومی به ویژه تعرض به حریم خصوصی مردم ممنوع است.

ماده ۱۴- شهروندان حق دارند در صورت تعرض غیرقانونی به آزادی و امنیت خود، در حداقل زمان ممکن و با نهایت سهولت به مراجع و مأموران تأمین‌کننده امنیت عمومی، دسترسی داشته باشند. مراجع و مأموران مذکور باید بدون وقفه و تبعیض و متناسب با تعرض یا تهدیدی که متوجه شهروندان شده است و با رعایت قوانین خدمات خود را ارائه دهند.

### ۳- قاعده احسان

قاعده احسان یکی از قواعد فقهی است که نمودهای بارز آن در حیطه حقوق شهروندی از جمله حقوق اجتماعی به چشم می‌خورد. توضیح اینکه از منظر قاعده احسان، برای ایجاد مسئولیت مدنی و ضمان قهری اسباب و عواملی وجود دارد که در فقه از آن‌ها به موجبات ضمان قهری یاد می‌شود. همچنین برای جلوگیری از ایجاد مسئولیت مدنی و سقوط ضمان قهری برای کسی که شرایط ضمان فراهم شده باشد؛ اسباب و مواردی وجود دارد که از آن‌ها به مسقطات ضمان قهری تعبیر می‌شود. یکی از مسقطات ضمان قهری احسان است (غفاری و یونسی، ۱۳۹۵: ۳۲). بدین معنا مفاد قاعده آن است که هرگاه کسی با هدف احسان به

دیگری کاری انجام دهد و بر اثر آن به وی خسارتی وارد شود، ضامن نخواهد بود، حتی اگر هدف مورد نظر تحقق نیابد. برای مثال، اگر برای نجات فردی از آتش یا خاموش کردن آتشی که به ملک وی افتاده است، به ناچار در و پنجره خانه او را بشکنند، ضامن نیست، خواه موفق به خاموش نمودن آتش بشود یا نه (ایروانی، ۱۳۹۱، ۹۴). توضیحات فوق نشان می‌دهد که قاعده احسان، دارای بعد اجتماعی آشکاری است که می‌تواند حیطه حقوق شهروندی را نیز تحت تأثیر قرار دهد. در اینجا به ابعاد مهم حقوق شهروندی و قاعده احسان پرداخته می‌شود.

### ۱-۳. قاعده احسان؛ امر به معروف و نهی از منکر

احسان همانند سایر قواعد فقهی و احکام اسلام، دارای بُعدی اجتماعی می‌باشد که می‌تواند در حیطه حقوق شهروندی مورد توجه قرار گیرد. مهم‌ترین اثرگذاری قاعده احسان که ناظر بر اعمال اجتماعی است، در مقوله امر به معروف و نهی از منکر نمود پیدا می‌کند. استدلال آغازین آن است که برای دستیابی به یک محیط سالم اولین گام امر به معروف و نهی از منکر و نظارت همگانی است؛ البته با در نظر گرفتن مراتب و شرایط آنها و همچنین جلوگیری از مفاسد اجتماعی و ارائه راهکاری برای نقش‌آفرینی شهروندان در امور مطلوب اجتماعی. بنابراین بر طبق آیات قرآن، اولین گام برای تحقق قاعده احسان در حیطه حقوق اجتماعی شهروندی، گرایش به خیر و نیکی میان شهروندان است که دیگران را نیز بدین کار دعوت نمایند. امور نیک می‌تواند دعوت به حق‌طلبی، زندگی مسالمت‌آمیز، احترام به حقوق یکدیگر و بازداشتن از امور ناروا و خلاف شرع در نظر گرفته شود. در این باره خداوند متعال می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». «و باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند» (سوره آل عمران: آیه ۱۰۴). علاوه بر این آیه شریفه، مستند این رویکرد، آیه شریفه زیر است که بیان می‌کند: «الَّذِينَ إِذَا مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلَهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ». «همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده و امر می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و فرجام همه کارها از آن خداست) اشاره نمود» (سوره حج: آیه ۴۱).

بدین ترتیب، دعوت به خیر و نیکی و نهی کردن از منکرات که حقوق شهروندی را تهدید می‌کند، مورد توجه حقوق شهروندی اسلامی است. یکی از این امور خیر، زبان و

کردار محبت آمیز در جامعه و پرهیز از ناروایی اخلاقی است. چه اینکه، وفای به عهد و پیمان و یاری افراد در خیر و نیکی از عواملی است که سبب ایجاد محیطی سرشار از دوستی و محبت می شود که در آیات و روایات به آنها سفارش شده است در قرآن تهمت و آزار زبانی نیز نهی شده است (حر عاملی، ۱۴۱۷: ۱۳۳). به نظر می رسد قاعده احسان با درک اهمیت خیر و نیکی در جامعه، می تواند زمینه ساز دعوت مؤمنان به رعایت آن گردد و حتی اگر نتیجه ای که بدست می آید، مطلوب نباشد. به عبارتی دیگر، اقدام برای خیر و نیکی و ترسیم مسیر برای مؤمنان فی النفسه امری مطلوب است. در این زمینه نیز رویکرد شهروندی اسلامی، می بایست رویکردی مبتنی بر کرامت انسانی و فارغ از نژاد، مذهب، پوست، گرایش قومی و سیاسی باشد. حضرت علی (ع) در این زمینه به صراحت خون و مال مسلمان و غیر مسلمان ذمی را مساوی دانسته و بیان داشت: «آنان جزیه می پردازند، که دماء و اموالشان به مانند دماء و اموال مسلمانان باشد» (ابن قدامه، ۱۴۰۵: ۲۸۹). مصداق دیگری که می توان بدان استناد کرد اینکه سرداران لشکر اسلام نیز به هنگام فتح منطقه ای با ساکنان آنجا به نیکی برخورد می نمودند و اجازه نمی دادند حقوق فردی اشخاص مورد تعرض قرار گیرد. یکی از نمونه های آن، تعامل «عمرو بن عاص» با قبطیهای مصر بود تا جایی که محبت آنان را به خود جلب نموده و حکومت اسلامی را قلباً پذیرا شده و برای حفظ آن شمشیر زدند (حسن، ۱۳۸۴: ۲۷۴).

با این اوصاف، به نظر می رسد بسط قاعده احسان در حیطه حقوق اجتماعی شهروندی می تواند باعث گسترش فرهنگ «امر به معروف» و «نهی از منکر» گردد که خود پایه و اساس حقوق شهروندی در اسلام به شمار می روند. به طور مشخص و از منظر حقوق شهروندی باید گفت بر اساس اصل ۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی، «دعوت به خیر»، «امر به معروف و نهی از منکر» وظیفه ای است همگانی و متقابل، بر عهده مردم نسبت به یکدیگر؛ دولت نسبت به مردم، مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می کند. بنابراین امر به معروف تمامی وظایف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در برمی گیرد و سازوکاری است که فرآیند بازخور را تسهیل می کند. به عبارت دیگر، جامعه خود به تصحیح مفسده ها خواهد پرداخت. پس حتی دولت و حکومت نیز مصون از خطا فرض نشده است. رویکرد مزبور علاوه بر توجه به اصلاح حیطه اجتماعی شهروندی، دستورالعمل ها و اقدامات لازم برای نهادها و قوای جامعه اسلامی را نیز روشن ساخته است. چنانچه در این زمینه، قوه قضائیه نیز بر اساس ماده ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی موظف شده است که به عنوان یکی از

وظایف اصلی خویش، «اقدام مناسب برای پیش‌گیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین» را در دستور کار خود قرار دهد. دامنه مبارزه با مفاسد و تلاش در اصلاح سیستم‌ها؛ محدود به اقتصاد داخلی نیست. اصل ۱۵۴ قانون اساسی حاکمیت کشور را به گسترش خدمات بهداشتی تا اقصی نقاط جهان موظف ساخت‌هاست تا برای جلوگیری از سلطه، از کوشش‌های مبارزاتی و یا اصلاح‌گرانه مستضعفین جهان، اعم از مستضعفین فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی حمایت لازم به عمل آورد. متن آن چنین است: «جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند».

براساس رویکرد فقهی قاعده احسان، و با توجه به اهمیت حقوق شهروندی در جامعه اسلامی، جایگاه فرد در اجتماع و ارتباط آن دو از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که رشد انسان‌ها در پرتو جامعه میسر است. در بینش اسلامی همه حقوق و وظایف برای این است که انسان به تکامل واقعی و قرب الهی برسد. امتیاز ادیان الهی به ویژه اسلام نسبت به سایر مکاتب بشری آن است که علاوه بر تامین مصالح دنیوی مردم به فکر تامین سلامت ابدی و اخروی آنان نیز هست و از این حیث مسئولیت‌هایی برای همه افراد جامعه نیز در نظر می‌گیرد. تکلیف شهروندی ایجاب می‌کند که شهروندان براساس قاعده احسان، دعوت به خیر و نیکی و پرهیز از منکر را در رأس زندگی عمومی قرار دهند. از این حیث، هر فرد مسئول امر به معروف و نهی از منکر است و ابعاد آن در سایر بخش‌های جامعه نیز ساری و جاری است. یادآوری فرد فرد آحاد اجتماع یک ضمانت اجرایی قوی، دائمی و پیوسته است که باعث شناخت افراد به حقوق و وظایف‌شان در مقابل دیگران شده، راه اجرایی دیگر قوانین و مقررات را می‌گشاید. امام علی (ع) امر به معروف و نهی از منکر را از اوصاف پروردگار شمرده است (مهاجری، ۱۳۷۴: ۱۳۷).

حتی از دیدگاه قرآن برای دستیابی به محیطی سالم و تحقق حقوق شهروندی، امر به معروف و نهی از منکر و نظارت همگانی (آل عمران/۱۰۴) امری ضروری است. بنابراین آنچه در روایات در مورد حقوق حقوق شهروندی لازم به ذکر است، اینکه از بیان امامان معصوم (ع)، ایمان بخدا باعث پیوند میان هم‌نوعان و هم‌دینان گشته، به گونه‌ای که از آنان پیکری واحد می‌سازد و هریک سلامتی و رستگاری دیگری را سلامتی و رستگاری خود

می‌دانند. با توجه به اینکه هر یک از مومنان دارای حقوقی (قلبی-زبانی-عملی) نسبت به یکدیگر می‌باشند، داشتن این دیدگاه (پیوند دینی) آنان را ملزم به رعایت حقوق یکدیگر می‌نماید. با نگاهی به این مطالب در می‌یابیم که موضوع اصلی و اساسی حقوق فردی شهروندی، انسان است و اسلام برای حفظ این حقوق، اصولی و قواعدی مانند قاعده تسلیط، قاعده لاضرار، عدم تصرف و غضب در مال دیگران، عدم دست درازی به مال دیگران، رضایت در انتقال مالکیت، عدم خیانت در امانت و... را محترم شمرده و شهروندان را به رعایت این قواعد و اصول ملزم نموده است. همچنین در نهج البلاغه، حقوق شهروندی از دیدگاه امام علی (ع) مبتنی بر هستی‌شناسی توحیدی است که در آن اصل برابری انسان‌ها را محترم دانسته است و حقوق متقابلی را برای حکومت و شهروندان، البته با رعایت مانند اصل انصاف، رعایت عدالت و مساوات، مبارزه با ظلم و ستمگری،... برشمرده است.

### ۲-۳. قاعده احسان و خیر عمومی

رعایت حقوق شهروندی در بُعد اجتماعی از جمله رعایت عدالت، برقراری آزادی، جلوگیری از مفاسد اجتماعی و دفع آنان، بخش‌های مهم حقوق انسان‌ها در جامعه اسلامی می‌باشد که در یک رویکرد کلی و فراگیر می‌تواند تحت عنوان «خیر عمومی» از آنان نام برد. خدای متعال در قرآن مجید، به این آرمان عظیم انسانی فرمان می‌دهد و چنین می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل / ۹۰). یعنی: خداوند، به عدل و احسان، فرمان می‌دهد. عدال و احسانی که می‌تواند مبنای خیر عمومی و مشارکت انسان‌ها در ساختن جامعه‌ای سرشار از خیر و نیکی تلقی شود. امام علی (ع) در تفسیر این آیه چنین می‌فرماید: «ان الله يأمر بالعدل والاحسان، العدل: الانصاف والاحسان التفضل». (نهج البلاغه، قصار الحكم ۲۳۱) خداوند به عدل و احسان فرمان داده است و عدالت، همان انصاف است و احسان، همان بخشش. کتاب آسمانی ما، هدف والای همه انبیاء را برقراری عدالت بر روی زمین می‌داند و چنین می‌فرماید: «لقد أرسلنا رسلنا بالبینات وأنزلنا معهم الكتاب والمیزان ليقوم الناس بالقسط». «ما پیامبران را فرستادیم، و همراه آنان، کتاب آسمانی و میزان تشخیص حق و باطل را فرو فرستادیم، تا مردم، عدالت را برپا دارند» (سوره حدید: آیه ۲۵).

درباره نسبت قاعده احسان و خیر عمومی باید گفت که قاعده احسان از آنجا که قواعد کمک‌رسانی و استمداد از شهروندان را مدنظر قرار می‌دهد، همانند سایر قواعد دین اسلام، قاعده‌ای آشکارا اجتماعی و در راستای تقویت مصالح عمومی و خیر عمومی است. بنابراین هم اقدام شهروندان و هم حمایت‌های نظام سیاسی اسلامی از این رویه امری بدیهی و حتی

ضروری است. زیرا، شهروند باید از حقوقی برخوردار باشد که ناظر به عضو شدن وی در جامعه است و در نتیجه منافع، مصالح، اخلاق و سیاست‌ها و در یک کلام عقل جمعی و عمومی است و دولت به مثابه شخصیتی حقوقی اکنون محور ترسیم حقوق شهروندان و متعهد به محدودیت‌ها و مسئولیت‌هاست (جاوید، ۱۳۸۸: ۳۱). بدین ترتیب در حقوق شهروندی اسلامی و با تکیه بر قاعده «احسان»، شهروندی نه تنها در وجه سلبی و بهره‌مندی از مزایای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی معنا پیدا می‌کند، بلکه آنچه مهم است مشارکت و دخالت شهروندان در ساختن زندگی بهتر و آسایش عمومی برای سایر شهروندان است. از این منظر، شهروندی در نزد آموزه‌های اسلامی، بر محور دو اصل طلایی «وفاداری به آرمان‌های جمعی و «فعل مثبت» شکل می‌گیرد. حکومت و دولت نمایندگی این سعادت جمعی را بر عهده دارد (همان، ۸۸).

علاوه بر این، قاعده احسان در حوزه حقوق شهروندی باعث دفع ضرر در حوزه‌های فردی و اجتماعی می‌شود و از این رو، عملی ایجابی و در جهت مصالح فردی و عمومی است. از این جهت، حقوق شهروندی اسلامی دفع اضرار از جامعه اسلامی را مورد توجه قرار می‌دهد. در همین راستا، برای دفع ضرر، تعاون و نوع‌دوستی در میان شهروندان، راه‌هایی نیز تعبیه شده است. زیرا بعضی از مسائل و احکام باعث ضرر و زیانی عمومی می‌شود که باید حکم حاکم به گونه‌ای باشد که جلوی ضرر و زیان عمومی را بگیرد (نمازی فر، ۱۳۷۹: ۵۶). بنابراین ورود حاکم جهت جلوگیری از ضرر عمومی بر مبنای مصلحت نیز می‌تواند در راستای قاعده احسان و کمک به تحقق حقوق شهروند تعبیر شود. از این جهت، به نظر می‌رسد قاعده احسان در حوزه حقوق شهروندی و جلوگیری از ضرر و زیان عمومی می‌تواند وارد عمل شود و بعد مسئولیت شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را اعتبار تازه‌ای ببخشد. تسری دادن این رویکرد به مسائل مختلف شهروندی و اجتماعی از جمله آتش‌سوزی، سیل، زلزله و دستگیری از شهروندانی که نیاز به کمک فوری دارند، مشمول این قاعده می‌شود. بدین ترتیب قاعده احسان با دفاع از منافع عمومی و جلوگیری از بروز خسارت و هزینه برای سایر شهروندان، جایگاه مهمی برای حس نوع‌دوستی و تعاون اجتماعی باز می‌گذارد. به نظر می‌رسد این وجه از تأثیرگذاری قاعده احسان در مسائل سیاسی و اجتماعی کمتر دیده شده است. بنابراین قاعده احسان در فقه شیعی می‌تواند گام مهمی برای گذر از شهروندی مبتنی بر حقوق به شهروندی مبتنی بر مسئولیت‌پذیری باشد.



علاوه بر این، قاعده احسان در حوزه حقوق شهروندی، مسئولیتی مضاعف می‌آفریند که براساس آن، بر همه شهروندان الزامی است که برای کمک به یکدیگر و جلوگیری از ضرر و زیان عمومی و حتی فردی اقدام کنند. این الزام به وسیله عدم ضمان محسن تقویت می‌شود. ضمن اینکه، این حس مسئولیت در حقوق شهروندی اسلامی آنجایی مشخص می‌شود که بدانیم در صورتی که اثبات شود شخص با وجود توانایی و عدم معذوریت در کمک‌رسانی و اقدام فوری در دفع مخاطرات جانی آن هم به هر صورت ممکن خودداری کند و از این رهگذر خسارتی برای افراد آسیب دیده یا مصالح جامعه حادث شود، به مجازات در قانون می‌رسد. بنابراین اگر فردی در شرایطی قرار گیرد که نیازمند کمک باشد همه افراد حاضر، موظف به کمک به این فرد هستند (نصوری، ۱۳۹۷: ۷۶).

### ۳-۳. قاعده احسان و شهروند مشارکت‌جو

بر مبنای آنچه حقوق شهروندی اسلامی خوانده می‌شود، حس نوع‌دوستی و همکاری اجتماعی یکی از ضرورت‌های اساسی زیست اجتماعی است. در همین راستا، امام صادق (ع) بیان می‌کنند: «يَعِيشُ النَّاسُ بِإِحْسَانِهِمْ أَكْثَرَ مِمَّا يَعْشُونَ بِأَعْمَارِهِمْ وَيَمُوتُونَ بِدُنُوبِهِمْ أَكْثَرَ مِمَّا يَمُوتُونَ بِأَجَالِهِمْ». «مردم بیش از آن که با عمر خود زندگی کنند، با احسان و نیکوکاری خویش می‌زیند و بیش از آن که به سبب فرارسیدن اجل خود بمیرند، بر اثر گناهان خویش می‌میرند» (مجلسی، ۱۴۱۳ق: ۱۴۷). بنابراین مشارکت در کمک‌رسانی و دستگیری از دیگران، بخش مهمی از حقوق شهروندی اسلامی است که به نوبه خود می‌تواند حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران را به نفع مسئولیت‌پذیری تغییر دهد.

قاعده احسان در حوزه حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند مشارکت و مسئولیت‌پذیری شهروندان را در قابل مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی توسعه بخشد. به نظر می‌رسد این موضوع برای شهروندی اسلامی که توجه خاصی به مسئولیت‌های شهروندی می‌نماید، قابل توجه است. از این منظر، شهروندی مفهومی است که با مسئولیت و مسئولیت‌پذیری آحاد جامعه همراه است از آنجایی که در جامعه، فرد آینه دیگران است؛ هرگونه تسامح در انجام وظایف خود راه در زیر ساخت‌های جامعه مؤثر می‌داند، زیباترین احساس خوشایند شهروندی، شادی، تلاش برای همکاری و تعاون و بار مسئولیت خود و دیگران را به دوش کشیدن است. جوهره این تقسیم‌فراگیر، همبستگی اجتماعی، مشارکت و تعاون مردمی است که ذخیره مالی سرشاری را برای تامین و تضمین افراد در مقابل گرفتاری و تنگدستی‌ها ایجاد می‌کند (هاشمی، ۱۳۹۳: ۵۰۰). بدین معنا که

تکیه بر آراء مردم در انتخابات مختلف از جمله ریاست جمهوری، شوراها، مجلس و... بیانگر این مشارکت است (نوربخش و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۱۶). که حقوق شهروندی را از حیث انتخاب آزاد و عادلانه مناصب تحقق می‌بخشد.

بنابراین می‌توان ترویج احسان و نوع‌دوستی را یکی از ویژگی‌های مهم حقوق شهروندی اسلامی برشمرد که مصداق بارز «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیت» در حقوق شهروندی اسلامی است. همچنین شهروندی اسلامی، شهروندی اجتماعی و معنوی است و برخلاف سایر گونه‌های فردگرایانه غربی به بهبود کیفیت زندگی شهروندان و سعادت اخروی آنان توجه می‌نماید. به عبارتی ساده‌تر، رویکرد اساسی حاکمیت اسلامی در حقوق شهروندی، کیفی‌گرایی در حقوق و تکالیف است و نه کمیت‌محوری (جاوید، ۱۳۸۸: ۱۵۸-۱۵۹). از این منظر، قاعده احسان با حمایت از اعمال خیرخواهانه و کمک به شهروندان در حوزه‌های مختلف نوعی وفاق اجتماعی مبتنی بر نوع‌دوستی ایجاد می‌کند. علاوه بر این، قاعده احسان هنگامی که در قانون مجازات اسلامی بیان می‌شود، عدم انجام آن بر شهروند مکلف، نوعی جرم محسوب می‌شود. بنابراین شهروندی مسئولیت‌پذیر در قاموس شهروندی اسلامی بسیار مهم است. به عبارتی دیگر، صورتی که همه شرایط برای کمک‌رسانی و یاری رساندن به دیگری میسر باشد و از این کار امتناع ورزند، مستوجب مجازات هستند. بنابراین حقوق شهروندی اسلامی مستخرج از قاعده احسان، الزامات مهمی برای شهروندان پدید می‌آورد که مسئولیت‌های شهروندی را حائز اهمیت بشمارند. بنابراین، شهروند شخصاً مسئول فردی است که داوطلبانه به دیگران کمک می‌کند و رفتارهای خیرخواهانه دارد (فتحی و اجارگاه و واحد چوکده، ۱۳۸۶: ۲۶).

همچنین قاعده احسان با نفی ضمان مسئولیت از محسن، مسئولیت جدیدی پدید می‌آورد و آن هم ایجاد حس همکاری و مسئولیت شهروندی در قبال آسیب‌ها و خطرات زندگی شهروندی علیه هم‌نوعان است. بدین ترتیب با رفع مسئولیت از محسن، زمینه‌ها برای دفع ضرر از جامعه مسلمین افزایش می‌یابد. این نوع از شهروندان، کسانی هستند که فعالانه در امور مدنی و زندگی اجتماعی جامعه در سطح محلی و ملی مشارکت می‌کنند. طرفداران شهروندی مشارکت‌جو، استدلال می‌کنند که مشارکت مدنی فراتر از مشکلات با فرصت خاص در جامعه می‌باشد. شهروند مشارکت‌جو، همچنین ارتباطات، ادراکات مشترک، اعتماد و تعهدات جمعی را توسعه می‌دهد (همان: ۲۹). به علاوه، قاعده احسان توازانی میان حقوق و مسئولیت‌ها در شهروندی اسلامی پدید می‌آورد و همان گونه که فراهم کردن

خدمات را از وظایف حکومت اسلامی می‌داند، همین مسئولیت را نیز برای شهروندان ایجاد می‌کند که در قابل هموعان خویش و همچنین نظام اسلامی پاسخگو باشند. از این منظر، شهروندی اسلامی نوعی شهروندی اعتدال‌گراست که با توجه به حقوقی که برای شهروندان در نظر می‌گیرد، تکالیفی نیز برای آنان تعیین می‌کند. بنابراین هم حقوق و هم تکالیف به عنوان دو بال یک پرنده در حقوق شهروندی اسلامی تحقق می‌یابند. بدین ترتیب، حقوق شهروندی تنها در یک رابطه حق و تکالیفی وضعی قابل تحقق است؛ به این معنا که هر حقی برای شهروند به موازات آن تکالیفی برای او هم در پی دارد. لذا هر حقی برای دولت، تکالیفی برای او هم به دنبال خواهد داشت، حقوق و تکالیف شهروندان و دولت در چنین معادله‌ای با هم پیش می‌رود و هیچ یک تماماً حق و تماماً تکلیف نیست (جاوید، ۱۳۹۲: ۳)

اثر مهم دیگر قاعده احسان در حوزه حقوق شهروندی اسلامی، نفی ضرر عمومی و فردی برای شهروندان است. از این منظر، قاعده احسان در راستای منافع شهروندی و مقابله با ضررهای اجتماعی گام بر می‌دارد. بنابراین قاعده احسان و قاعده لاضرر در مقوله حقوق شهروندی اسلامی می‌توانند از منافع عمومی شهروندان دفاع به عمل بیاورند. چه اینکه قاعده احسان، با نفی مسئولیت از محسن، درصدد جلوگیری از آسیب‌ها و ضررهای اجتماعی است و از سوی دیگر، و براساس قاعده «لاضرر و لااضرار فی الاسلام»، در اسلام ضرر دیدن و ضرر رساندن وجود ندارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۱: ۵۴). این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که حتی ضمانتی برای محسن ایجاد نمی‌نماید. در سوی مقابل، در صورتی که شرایط برای دفع ضرر مهیا باشد و شخص نسبت به این کار اقدام ننماید، مستحق مجازات شناخته می‌شود. بدین معنا می‌توان گفت احسان به معنی منفعت رساندن به دیگری است. بدین منظور که از آن منتفع گردد، مشروط بر آنکه از هرگونه زشتی مبرا باشد (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۱۳).

همچنین قاعده احسان با تشویق و حتی ملزم ساختن شهروندان به دفع بلا یا و ضررها، همکاری و تعاون عمومی را به نفع حقوق شهروندی گسترش می‌دهد. از این منظر، توجه به نفع عمومی، مشارکت و ... از جمله مؤلفه‌های اساسی شهروندی است (منگلر، ۱۹۹۸: ۳۱). به علاوه رویکرد کیفی‌نگر حقوقی شهروندی اسلامی بدین معناست که شهروندان جامعه اسلامی نه تنها در امور مادی، بلکه در امور کیفی از جمله امور معنوی نیز مشارکت‌جو هستند. بنابراین شهروندی اسلامی با تکیه بر قاعده احسان، حس رقابت را نه در منافع مادی و اقتصادی، بلکه در منافع عمومی و معنوی به پیش می‌برد. شهروندی اسلامی از این منظر،

رویکرد نوینی می‌آفریند که عرصه را برای گسترش معنویت و اخلاق عمومی در جامعه فراهم می‌سازد. به عبارتی دیگر، «شهروندان جامعه اسلامی، در امور معنوی که در تراحم با آسایش و رفاه دیگران نیست، سعی بر پیشقدمی و سبقت‌جویی دارند» (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۱۷۳). بنابراین احساس مسئولیت شهروندی و کمک به هموعان خویش در مسائل مختلف، بیانگر ظرفیت گسترده قاعده احسان در حیطه حقوق شهروندی است که زوایای مختلف آن مورد توجه حقوق شهروندی اسلامی است.

#### ۴. نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه گفته شد قاعده احسان به معنای آن است که هرگاه کسی با هدف احسان به دیگری کاری انجام دهد و بر اثر آن به وی خسارتی وارد شود، ضامن نخواهد بود، حتی اگر هدف مورد نظر تحقق نیابد. ضمن اینکه توصیه‌های قرآن کریم و روایات نشان می‌دهند که قاعده احسان مفهومی اجتماعی است که در حوزه حقوق شهروندی می‌تواند رویکرد نوینی بیافریند. از جمله اینکه حوزه‌های مهم و حساس شهروندی از جمله توجه به امر به معروف و نهی از منکر، خیر عمومی و مصالح جمعی شهروندان جامعه اسلامی و همچنین بُعد مشارکت شهروندان را تحت پوشش خود قرار دهد. از این جهت، شهروندی اسلامی، دو بُعد حقوق و تکالیف را به طور همزمان به پیش می‌برد و از شهروندان می‌خواهد که جهت همکاری و تعاون با سایر شهروندان و مرتفع نمودن مشکلات آنان، قدمی عقب نهند، حتی اگر مشارکت آنان نتیجه مطلوبی نداشته باشد و یا خسارتی در پی داشته باشد. به عبارتی دیگر، مقوله شهروندی نظیر امر به معروف و نهی از منکر می‌بایست صورت گیرد، حتی اگر انجام آن در مواقع حساس، خطرات و تبعاتی نیز به دنبال داشته باشد. این امر هرچند در وهله اول می‌تواند ناقض حقوق شهروندی به نظر آید، اما نگاه نافذ نشان می‌دهد که حس مسئولیت‌پذیری شهروندی در اسلام حائز اهمیت فراوان است.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است، حقوق شهروندی به انحاء مختلفی بازنمود یافته است که در پرتو قاعده احسان می‌تواند از لحاظ گستردگی و کیفیت تقویت شود. هنگامی که در مقدمه قانون اساسی و اصل دوم آن بر ضرورت حفظ کرامت و آزادی شهروندان در عین توجه به مسئولیت‌ها اشاره می‌شود، به معنای آن است که شهروند بودن در جامعه اسلامی و نظام جمهوری اسلامی، علاوه بر دارا بودن حقوق خاص و انسانی، شرایط و مسئولیت‌هایی را نیز معین می‌کند. مسئولیتی که در کنه قاعده احسان نیز دیده می‌شود و با توجه به ابزارهای امر

به معروف و نهی از منکر، خیر عمومی و مصالح جامعه اسلامی و همچنین تشویق به مشارکت شهروندان، مدافع و مروج حقوق شهروندی باشد. از این منظر، حقوق و تکالیف شهروندی به عنوان عناصر مهم حقوق شهروندی اسلامی حائز اهمیت هستند. همچنین قاعده احسان در حوزه حقوق شهروندی و با در نظر گرفتن مصالح عمومی و رعایت اهم بر مهم چنین حکم می‌کند که وارد کردن ضرر و خسارت برای جلوگیری از خسارت و ضرری بزرگتر، می‌تواند حقوق شهروندی را به نحو مطلوب تری سامان ببخشد و در مواقع اضطراری به نجات جان، مال، ناموس و ... شهروندان منجر شود. از این منظر، قاعده احسان یک استثناء در حوزه مصالح عمومی از جمله حقوق شهروندی محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد گنجاندن قاعده احسان در حوزه‌های فعالیت‌های عمومی و اجتماعی می‌تواند کمک شایانی به گسترش و تعمیق حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران نماید.

## منابع و مآخذ:

- مهاجری، علی، (۱۳۷۴)، **جرائم خاص کارکنان دولت**، تهران: انتشارات کیهان.
- میر تقی، مصطفی (۱۳۷۱)، **شرحی بر رساله حقوق حضرت امام سجاد (ع)**، قم: نشر مشهور.
- نوش، کیت (۱۳۸۹)، **جامعه‌شناسی سیاسی معاصر؛ جهانی شدن، سیاست، قدرت**، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر.
- نصوری، مزدک (۱۳۹۷)، **قاعده احسان و نقش آن در معافیت از جبران خسارت، مجله پژوهش در هنر و علوم انسانی**، سال سوم، شماره چهار (پیاپی دوازده)، صص ۶۷-۷۹.
- نمازی فر، حسین (۱۳۷۹)، **احکام حکومتی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله علیه، مجله مقالات و برسی‌ها**، شماره ۶۸، صص ۴۷-۶۶.
- نوریخس، بهمن، ساعی، احمد، میرترابی، سعید (۱۳۹۸)، **جایگاه حکمرانی خوب در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران و اندیشه امام خمینی (ره)، رهیافت‌های انقلاب اسلامی**، سال سیزدهم، شماره ۴۸، صص ۱۳۰-۱۱۱.
- هاشمی، محمد (۱۳۹۳)، **حقوق بشر و آزادی‌های اساسی**، تهران: نشر میزان.
- هرمیداس باوند، داوود (۱۳۸۴)، **گفتارهایی در باره ز بان و هویت، به اهتمام علی گودرزی**، تهران: مطالعات ملی، صص ۲۷-۴۶.
- منابع عربی:**
- ابن قدامه، موفق لدین (۱۴۰۵ق)، **المغنی**، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- آل بحر العلوم، محمد (۱۴۰۳ق)، **بلغه الفقیه**، قم: منشورات مکتبه الصادق.
- حر عاملی، محمد حسن، (۱۴۱۷ق)، **و سائل الشیعه**، بیروت: نشر دار احیاء التراث العربی.
- حسن ابراهیم، حسن (۱۳۸۰)، **تاریخ سیاسی اسلام**، ترجمه ابوالقاسم پابنده، تهران: نشر جاویدان.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۳)، **بحار الانوار: الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار**، بیروت: نشر دار الاضواء.
- قرآن کریم.
- نهج البلاغه** (۱۳۷۸)، ترجمه محمد دشتی، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
- احمدی طباطبایی، محمدرضا (۱۳۸۸)، **حقوق شهروندی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی**، سال سوم، شماره ۸، بهار ۸۸، صص ۱۸-۳.
- ایروانی، جواد (۱۳۹۱)، **آشنایی با اقتصاد اسلامی**، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- جاوید، محمدجواد (۱۳۸۸)، **نظریه نسبیّت در حقوق شهروندی**، تهران: نشر گرایش.
- جاوید، محمدجواد (۱۳۹۳)، **بازخوانی بنیان‌های فلسفی نظریه نسبیّت در حقوق شهروندی**، ۱۳۹۳، **نشریه حقوق اسلامی**، سال یازدهم، شماره ۴۲، صص ۹۶-۶۵.
- جواد آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، **حق و تکلیف در اسلام**، تهران: مرکز نشر اسرا.
- دانش‌نهاد، محمد و علیشاهی قلعه‌جوقی، ابوالفضل (۱۳۹۸)، **نقش قاعده «احسان» در نفی و ایجاب مسئولیت مدنی دولت، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی**، سال ۱۱، شماره ۲۰، بهار و تابستان ۹۸، صص ۱۷۰-۱۴۷.
- طباطبایی، حسین (۱۳۹۳)، **قاعده احسان و مجرای آن در نظام حقوقی ایران**، جستارهای فقه و حقوق، سال اول، شماره دوم، صص ۱۲۰-۱۰۵.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، **قرآن کریم و قاعده «احسان»، فصلنامه فقه و حقوق**، سال پنجم، شماره ۱۷، تابستان ۸۷، صص ۴۰-۷.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۸)، **مبانی فقهی کلیات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، رشت: نشر جهاد دانشگاهی گیلان.
- غفاری، هادی، یونسی، علی (۱۳۹۵)، **مبانی فقهی پیشرفته اقتصاد اسلامی**، تهران: مرکز چاپ و توزیع دانشگاه پیام نور.
- فالكس، کیت (۱۳۹۰)، **شهروندی**، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر.
- فتحی واجارگاه، کورش، واحد چوکده، سکینه (۱۳۸۸)، **آموزش شهروندی در مدارس**، تهران: نشر آبیژ.
- کراری، مرجان، امام‌جمعه‌زاده، جواد، مقتدایی، عباس (۱۳۹۸)، **تحقق مردمسالاری دینی از رهگذر اقتصاد مردم محور در ایران: مطالعه موردی: شناسایی مشکلات بخش تعاون اصفهان، رهیافت انقلاب اسلامی**، سال سیزدهم، شماره ۴۷، صص ۴۲-۲۳.
- مرادی، معصومه، یاقوتی، فهرستی، زهرا (۱۳۹۸)، **گفتمان‌های حقوق زنان پس از انقلاب اسلامی با تأکید بر شهادت زنان، رهیافت‌های انقلاب اسلامی**، سال سیزدهم، شماره ۴۹، صص ۴۴-۲۹.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۱)، **قاعده لاضرر**، قم: انتشارات امام علی بن ابیطالب (ع).
- منصور، جهانگیر (۱۳۹۱)، **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، چاپ یکصدویکم، تهران: نشر دوران.